ایرانشهر
شهروند
۴
سه‌شنبه ۲۸ خرداد ۱۳۹۸ | سال هفتم | شماره ۱۷۱۹
www.shahrvand-newspaper.ir

در هر یک از اتاق‌های منزل یا محل کار مکانهای امن را تعیین کنید. این مکان می‌تواند زیر یک میز محکم، یا کنار دیوار داخلی به دور از پنجره باشد.

مرگ ۳هزار و ۷۴۵ موتورسوار در سال گذشته

سازمان پزشکی قانونی کشور اعلام کرد که سال گذشته ۳هزار و ۷۴۵ موتورسوار در حوادث رانندگی جان خود را از دست دادند که از این تعداد ۳۶۰۸ نفر مرد و ۱۳۷ نفر زن بودند. سازمان پزشکی قانونی کشور آمار تلفات موتورسیکلت‌سواران در سال گذشته را اعلام کرد. براساس این آمار، تلفات موتورسیکلت‌سواران ۲۱.۸ درصد از کل تلفات حوادث رانندگی را به خود اختصاص داده است. براساس آمارهای موجود بیشترین آمار تلفات موتورسواران در سال گذشته به ترتیب مربوط به استان تهران با ۳۸۶، فارس با ۳۲۷، اصفهان با ۲۸۹ و کمترین آن مربوط به ایلام با ۱۲، کهگیلویه‌وبویراحمد با ۲۲ و اردبیل با ۲۳ فوتی بوده است.

نقاهتگاه آرادکوه / عکس‌ها: شهروند

گزارش «شهروند» از وقایع تلخ بندرعباس و راه‌اندازی همزمان مرکزی برای کنترل سگ‌های بی‌صاحب در کهریزک

سگ‌کشی در «تل سیاه» حمایت در آرادکوه

در تهران بعد از اعتراض حامیان حیوانات، شهرداری در آرادکوه، مرکزی برای کنترل سگ‌های بی‌صاحب به راه انداخته؛ مرکزی که کلینیک درمانی، قرنطینه و نقاهتگاه دارد، اما هنوز به واکسیناسیون مجهز نیست

مهتاب جودکی| همین که خبر آمد در «تل سیاه» بندرعباس چند سگ را کشته‌اند، دوستداران حیوانات، خشمگین‌تر از همیشه، تا محل نگهداری سگ‌ها رفتند، لاشه‌ها را پشت وانت گذاشتند و به شهر برگشتند و سگ‌های بی‌جان را در یک کلینیک دامپزشکی رها کردند. عصر چهارشنبه پیش دعوا همین جا شروع شد؛ جلوی کلینیکی که به گفته معترضان، پیمانکار شهرداری در آن کار می‌کرد. دوستداران حیوانات سگ‌های نیمه‌جان بازمانده را آن روز نجات دادند و حالا می‌گویند شهرداری ۳۰ سگ توله و بالغ را با تزریق سم و سیم مفتول کشته است. شهرداری بندرعباس هم جواب داده که فقط هشت سگ بیمار را با روشی استاندارد یوتانایز کرده و پیمانکار را هم خلع ید. دوستداران حیوانات بندرعباس از مدت‌ها پیش به شیوه نگهداری سگ‌ها در سایت تل سیاه معترض‌اند: «بدون آب و غذا و بدون سایه‌بان. فقط حیوانات را در یک حصار نگه داشته‌اند و رهایشان کرده‌اند تا همنوع‌خواری کنند.» گروه‌های حامی در ماه‌ها و سال‌های گذشته به شهرداری‌های کرمان، اهواز، قم و مشهد معترض بوده‌اند. در تهران هم بعد از اعتراض حامیان، شهرداری در آرادکوه، مرکزی برای کنترل سگ‌های بی‌صاحب به راه انداخته. مرکزی که کلینیک درمانی، قرنطینه و نقاهتگاه دارد، اما هنوز به امکانات واکسیناسیون مجهز نیست.

در تل سیاه چه خبر است؟

عکس‌ها و فیلم‌های سگ‌کشی در تل سیاه، شبیه تکرار این ماجرا در سال‌های گذشته در شهرهای مختلف است. این بار اما دردناک‌تر، حامیانی که در بی‌توجهی شهرداری بندرعباس، هر روز برای حیوانات آب و غذا می‌بردند، این بار سگ‌ها را مرده و خونین دیدند و دست و پایشان را گرفتند و تا شهر آوردند، تا آن‌طور که آنها مدعی‌اند، این خشونت را به عامل کشتار سگ‌ها نشان دهند.

دوستداران حیوانات هرمزگان دوسال پیش متوجه تل سیاه شدند؛ وقتی اعتراضات به حضور سگ‌های بی‌پناه در شهر بالا و شهرداری تصمیم گرفت برای حل مسأله، سگ‌ها را جمع‌آوری کند و جایی نگه دارد. سمیه سلیمی، رئیس «انجمن حامیان حیوانات پناه» درباره آن‌چه در تل سیاه دیده، می‌گوید: «دوسال پیش فهمیدیم شهرداری بندرعباس سگ‌های ولگرد سطح شهر را به بهانه ساماندهی و عقیم‌سازی به یکی از بیابان‌های دور از شهر به نام منطقه تل سیاه برده؛ سنگلاخی بدون آب و غذا. سگ‌ها را بدون فراهم کردن امکانات اولیه -بدون آب و غذا- فقط با کشیدن دیواری به دورشان، زندانی کرده بودند. آنها از گرسنگی به همنوع‌خواری افتاده بودند و این وضع هشت ماه ادامه داشت، تا وقتی اعضای انجمن حامیان حیوانات متوجه شدند و به حال آنها رسیدگی کردند. آنها برای بهبود شرایط زندگی آن حیوانات بی‌پناه، با هزینه شخصی‌شان سایبان ساختند، مخزن و ظرف برایشان آوردند و به‌طور روزانه آب یخ و غذا بهشان دادند و از آن زمان تا امروز کارشان همین بوده است؛ درمان سگ‌ها، درست کردن حوضچه، خرید روزانه ۳۰۰هزار تومان غذا برای آنها، وان‌هایی به قیمت ۶۰۰هزار تومان و تانکرهای بزرگ آب. همه این کارها را حامیان کردند، اما مسئولان این کارها را به نام خودشان زدند. بی‌آن‌که بدانند، تامین هزینه این اقلام و غذارسانی هر روزه با توجه به بعد مسافت و مشکلات عدیده‌ای که بر سر راه حامیان این شهر بود، فقط با یک دلیل قابل توجیه است و آن عشق به حیوانات است و بس. در حالی که مسئولان مرکز تل سیاه به سگ‌ها رسیدگی نمی‌کردند، در عوض به بدترین شکل آنها را نگهداری می‌کردند. این واقعیت تل سیاه است و همه ما اعضای حامیان، به این روند معترضیم.»

به گفته او ظهر چهارشنبه گذشته به آنها خبر رسید که «پیمانکار شهرداری که برای عقیم‌سازی سگ‌ها بودجه دریافت کرده و قرارداد بسته، پنهانی به تل سیاه رفته و با تزریق سم و لیدوکائین به قلب سگ‌ها یا با بستن سیم مفتولی به دور گردن و دست و پای آنها، تعداد زیادی از حیوانات -توله‌ها و سگ‌های بالغ- را کشته و با رسیدن حامیان از محل متواری شده است.» حامیان، عکس‌ها و فیلم‌هایی از آن روز منتشر کرده‌اند؛ از سگ‌های مرده و آنهایی که نجات داده‌اند: «ما پیش از این به پیمانکار قبلی شهرداری معترض بودیم و کنار رفت، اما پیمانکار جدید هم همان روند را در پی گرفته است.»

راحله، عضو دیگر این انجمن می‌گوید: «شهرداری می‌گوید سگ‌هایی که کشته، بیمار بوده‌اند، اما اگر بیمار بودند چرا قلاده داشتند؟ چرا تن‌شان با مفتول زخمی شده بود؟ ما می‌دانیم که آن حیوانات تحت درمان بودند. یک‌سری‌شان عقیم شده بودند و یک‌سری‌شان نه. برای همین بود که به نشانه اعتراض به موسوی، پیمانکاری که در کلینیک داماهی کار می‌کرد، همه سگ‌ها را آن‌جا بردیم.» بعد از اعتراض گروهی از شهروندان به این ماجرا، دنیا واقفی، مسئول کلینیک دامپزشکی داماهی در اطلاعیه‌ای نسبت به اتفاقات تل سیاه ابراز تاسف و البته بی‌اطلاعی کرد: «درصورتی که این اتفاقات باعث مخدوش‌شدن حقوق حیوانات شده باشد، انزجار و بیزاری خود را اعلام می‌کنم.» در این اطلاعیه او توضیح داده که از ابتدای تاسیس کلینیک بارها برای عقیم‌سازی سگ‌های ولگرد اعلام آمادگی و نسبت به یوتانایز کردن آنها مخالفت کرده است. مسئول کلینیک هرگونه دخالت در وقایع تل سیاه را رد کرده و در واکنش به اقدام اعضای انجمن نوشته: «اشخاصی با انگیزه‌هایی بعضا نامشخص، فریب خورده و از روی ناآگاهی و نادانی و احیانا سایر غرایض، اقدام به هتک حرمت، ضرب و شتم و رهاسازی حیوانات مرده و متعفن در کلینیک من کرده‌اند و از این عمل شنیع خود فیلم و مستند تهیه کرده‌اند.» در نهایت او تقاضای طرح موضوع در شورای تامین استان و تهیه دادخواست از مراجع قضائی کرده است.

«اسماعیل موحدی‌نیا»، معاون خدمات شهری شهرداری بندرعباس همان روز در واکنش به این اتفاقات به «ایرنا» توضیح داده که این سگ‌ها بیمار بوده و طبق نظر دامپزشک و شیوه‌نامه وزارت کشور معدوم شده‌اند. او خبر داده که پیمانکار قبلی، ۱۰ روز پیش خلع ید شده و دلیل این اقدام را برخی نارضایتی‌ها از نحوه جمع‌آوری سگ‌ها دانسته است: «حدود هشت قلاده سگ براساس نظر دامپزشک معدوم شده‌اند.» بعد از اعتراض به سگ‌کشی در تل سیاه، شهرداری بندرعباس دستور داده تا بررسی‌های کامل‌تر معدوم‌سازی متوقف شود.

سگ‌های معدوم‌سازی شده از سوی شهرداری بندرعباس

خانه‌ای نو برای سگ‌های بی‌پناه

کلینیک درمانی آرادکوه

«شهروندانی که دچار حمله سگ‌های ولگرد شده‌اند، از ما دیه طلب کرده‌اند.» بهانه جمع‌آوری سگ‌ها این‌طور که حمید تحصیلی، مدیرعامل شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران گفته بود، همین بود. اواخر اردیبهشت گروهی از حامیان حیوانات نگران از جمع‌آوری و کشتار سگ‌ها، مقابل شهرداری تهران تجمع کردند. آنها دلیل اجرای طرح تازه شهرداری را نامه دانشگاه علوم پزشکی به شهرداری در مورد ابتلای دو شهروند به بیماری هاری می‌دانستند. تحصیلی هم همان وقت در توییترش درباره گزارش دامپزشکی از ۶ مورد حمله شدید سگ به شهروندان و تشخیص هاری در دو سگ نوشته بود. اعتراضات اما باعث شد شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران، مرکز کنترل سگ‌های بلاصاحب در تهران را ساماندهی کند؛ جایی در آرادکوه تهران که ۲۱۷ سگ در قفس‌هایش جای گرفته‌اند.

در بازدید اول خبرنگاران پیداست که تازه سمپاشی شده، سایه‌بان‌هایش نو هستند و اوضاع تحت کنترل به نظر می‌رسد. وضع نقاهتگاه آرادکوه به عکس آن‌چه در سایت تل سیاه بر حیوانات می‌گذرد- زمینی بزرگ بدون هیچ‌گونه امکانات که سگ‌های آن به ناچار به سایه باریک زیر حصار پناه می‌برند- خوب به نظر می‌رسد. هر چند از پشت میله‌های قفس‌ها، استخوان‌های بیرون‌زده سگ‌ها، بدن‌های لاغر و گوش‌های بریده‌شان پیداست. بوی مرکز دپوی زباله آرادکوه تا اقامتگاه سگ‌ها می‌آید. این جا پر است از صدای زوزه سگ‌هایی که زیر آفتاب لم داده‌اند و پشه‌ها را می‌پرانند.

کار جمع‌آوری سگ‌ها این‌طور انجام می‌شود: در هر نقطه از تهران که باشند، آنها را با دارت و دارو بیهوش می‌کنند و به مرکز می‌آورند. سگ‌های تازه‌وارد در قفس قرنطینه به هوش می‌آیند. چند روزی آن‌جا می‌مانند و معاینه می‌شوند تا معلوم شود بیمارند یا سالم. بعد بیماران را می‌برند به کلینیک تا درمانشان آغاز شود و درمان که شد، عقیم می‌شوند و پلاک کوبی. این روند ۱۵-۱۰ روز طول می‌کشد تا سگ‌های دیگری به مجموعه وارد شوند.

تحصیلی، مدیرعامل شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران به «شهروند» می‌گوید: «هرگز سگی را از چرخه حذف نمی‌کنیم. کشتار نداریم مگر حیوانی که به تشخیص پزشکی قابل درمان نباشد. در ماه حدود ۱۰۰۰ ورودی داریم و به همین تعداد خروجی. همه بعد از نصب پلاک، رهاسازی می‌شوند در اطراف تهران؛ جنگل‌های تلو، سرخه‌حصار و...» او اما درباره بودجه این مرکز چیزی نمی‌گوید.

شهرداری بعد از اعتراض حامیان حسابی برای این کار برنامه ریخته است؛ هر متقاضی که سگ بخواهد، می‌تواند این جا رایگان تحویل بگیرد، هر کسی از «سگی ولگرد» نگهداری می‌کند، می‌تواند در این مرکز به رایگان عقیمش کند، به زودی در مناطقی که این سگ‌ها رهاسازی می‌شوند، تابلوهایی برای فرهنگ‌سازی خوش‌رفتاری با حیوانات نصب خواهد شد.

حامیان حیوانات می‌گویند، منتظرند نواقص مرکز کم‌کم رفع شود و وضع حیوانات بهبود پیدا کند. شهرداری آنها را به مرکز دعوت کرده و نظرشان را پرسیده. آنها می‌گویند اجرای مداوم این طرح در آرادکوه، ثبات جمعیت سگ‌ها را به دنبال خواهد داشت، به شرطی که مرکز را به حال خود رها نکنند.

سگ‌ها هنوز امکانات واکسیناسیون ندارند

در کلینیک درمان، سگی روی برانکارد بی‌حال افتاده؛ با چشم‌های نیمه‌باز و سرمی توی دست. «ضعف دارد، لاغر شده. باید سرپا شود تا حال عمومی‌اش را ببینیم.» رامبد راد، کارشناس درمان کلینیک برای سگ سرم زده و منتظر ایستاده تا حالش خوب شود. سگ‌هایی که از بیرون می‌آیند، در گرمای تابستان، حالشان بهتر از این نیست. او یک‌سال است در مرکز آرادکوه کار می‌کند، از آمار مرگ‌ومیر و زاد و ولد با خبر نیست و معتقد است وضع از قبل بهتر شده است.

تحصیلی درباره روش‌های یوتانایز در این سامانه می‌گوید: «اگر اعلام کنند سگی قابل درمان نیست، طبق پروتکل جهانی و دستورالعمل وزارت کشور حذفش می‌کنیم. آن هم روش دارد، اول بیهوشش می‌کنند و بعد در خواب عمیق با آمپول در قلبش از چرخه حذف می‌شود.» او هم از آمار مرگ‌ومیر خبر ندارد.

در هر قفس ۶-۵ سگ نگهداری می‌شود و تازه‌واردها بیماری پوستی دارند، بدنشان زخم است و برای این بیماری‌ها و شکستگی دست و پا و فک و بیماری تنفسی می‌روند به کلینیک مهیار منصوری، دامپزشک مرکز می‌گوید با همه داشته‌ها، این جا هنوز امکانات واکسیناسیون ندارد. این نقص کار را سخت‌تر می‌کند و احتمال بیمارشدن سگ‌های دیگر را بالا می‌برد.

او یک‌ماهی است کار با مرکز آرادکوه را شروع کرده و معتقد است؛ اعتراض به وضع پیشین، باعث شده شهرداری برای مهیا کردن امکانات جدید، نرم‌تر شود: «در دو هفته وضع مرکز بهبود پیدا کرده است. توانستیم برای سگ‌ها سایبان تهیه کنیم. اجازه دادند تعدادی از سگ‌های بیمار را خارج کنیم و خودمان درمانشان کنیم. اجازه دادند نظارت بیشتری بر روند عقیم‌سازی و ریکاوری‌شان داشته باشیم. قبلا اتاق ریکاوری نداشتند اما درخواست کردیم و مهیا کردند. طبق صحبتی که کرده‌ایم، قرار شده بخشی را برای مادر و کودک جداگانه درست کنند تا بتوانیم تا روزی که مسأله واکسیناسیون حل شود، از انتقال بیماری‌ها و تلفات جلوگیری کنیم.»

به گفته او، از سال ۸۷ که بخشنامه وزارت کشور آمد، پیگیری برای راه‌اندازی مرکزی شبیه این، آغاز شده و بالاخره عملی شده است اما برای رسیدن به نتیجه تداوم کار با همکاری ارگان‌های مختلف (شهرداری، استانداری، بخشداری، دامپزشکی و جهاد کشاورزی) ضروری است. در مرکز نگهداری سگ‌های بی‌پناه تهران یا آن‌طور که شهرداری نامش را گذاشته «سامانه کنترل سگ‌های بلاصاحب» به روی سگ‌ها باز است، حتی سگ‌های گرانقیمت خانگی که با صاحبانشان برای دور دور بیرون بوده‌اند و با حکم قاضی پایشان به آرادکوه باز شده و حالا میان سگ‌های ولگرد غریبه‌اند.

تزریق زهر دیگری در رگ‌ها

کتایون جهانگیری
مستند سازمحیط زیست

فرصتی برای اشک ریختن نداریم. اولین صحنه‌ای که از کشتار سگ‌ها به خاطر دارم، برمی‌گردد به دوران کودکی‌ام وقتی بچه‌ای دبستانی بودم و منزل ما در خیابان شیخ بهایی ونک بود. انتهای این منطقه به باغ‌های ونک می‌رسید که پر بود از انواع درخت‌های میوه و یک‌جورهایی هم محل بازی و تفریح برای ما بچه‌ها بود. خاطرم هست یک ماده‌سگ زرد در محل ما بود که گاهی به او غذا می‌دادیم. یک روز صبح زود با صدایی ترسناک از خواب پریدم و به سمت پنجره‌ای که رو به خیابان بود، سرم را بیرون بردم و دیدم سگ زرد محل ما غرق خون و نیمه‌جان زیر پنجره افتاده است و دو مرد مسلح با بی‌رحمی پایش را گرفتند و کشان‌کشان او را بردند. هرگز این تصویر از برابر چشمان من محو نشد. آن روز خیلی گریه کردم و سوال بزرگی در ذهنم شکل گرفت که «مگر آن سگ چه کرده بود؟» ما همه دوستش داشتیم و او با همه ما مهربان بود. این سوال با من بزرگ شد؛ من بزرگ شدم و بستر کشتار سگ‌ها هم بزرگ و بزرگ‌تر شد.

خشونت نهادینه‌شده در سیستم سگ‌کشی در زیر لوای کنترل جمعیت سگ‌ها چنان آزاردهنده و بی‌پروا عمل می‌کند که دیگر وقعی به هیچ دین و مذهب و اعتقاد و اخلاقی نمی‌گذارد. تمام این سال‌ها، گروه گروه مردم چه با اعتراض و چه از طریق گفت‌وگو و با هزینه مالی و زمانی و انرژی که صرف کردند، سعی کردند جلوی این رویه شهرداری‌ها را بگیرند؛ یعنی همکاری کردند، پول خرج کردند، خودشان وارد عمل شدند و در حالی که بودجه‌های قابل توجهی از طرف شهرداری‌ها صرف می‌شد و قراردادهای کلان با پیمانکاران بسته می‌شد، بدون دریافت ریالی کمک کردند تا جلوی خشونت و کشتار را بگیرند ولی افسوس که شهرداری‌ها به هر ترفندی همین مسیر را طی کرده و ظاهرا هم حاضر نیستند بپذیرند که حتی از لحاظ علمی در دنیا هم به اثبات رسیده، کشتار نه فقط به کاهش جمعیت کمک نمی‌کند بلکه محرکی برای افزایش جمعیت سگ‌هاست؛ این یک تجربه جهانی به اثبات رسیده است.

امروز از بندرعباس می‌گوییم و البته از خبرهایی که جسته‌وگریخته از کرمان می‌آید، دیروز مشهد و شیراز و تهران بودند و البته رشت و فیروزکوه و آبسرد و قم و دیگر و دیگر. امروز مرگ با تزریق گازوییل و سیم مفتول و دیروز تزریق اسید و چماق و زنده‌خواری از گرسنگی؛ غمنامه بی‌پایان سگ‌ها.

برای درک این مصیبت با گروهی راهی قم شدیم و سراغ علما رفتیم تا ببینیم کجای دین ما اجازه چنین رفتاری با مخلوقات خداوند را داده است؛ اما آن‌چه شنیدیم و گفتند تنها و تنها بیان اهمیت محبت‌کردن به مخلوقات خداوند بود و تأکید امامان بر این‌که مبادا مسلمانان به رویه ظلم به مخلوقات خدا بیفتند.

دین ما را بشدت از برخورد ظالمانه با حیوانات منع کرده تا آن‌جا که حضرت امیرالمومنین علی (ع) می‌گویند: «به صورت حیوانات نزنید؛ زیرا آنها حمد و تسبیح خدا را می‌گویند.» (الکافی: ۶ / ۵۳۸ / ۴، الخصال: ۶۱۸ / ۱۰ منتخب میزان الحکمه: ۱۷۰) و باز از پیامبر اکرم (ص) حدیثی است: «لعنت خداوند بر کسی که حیوانات را زجرکش کند.» و با وجودی که هر بار که چنین اتفاقاتی برملا شده است، دیده‌اند که چطور زخمی عمیق بر روح و جان جامعه زده می‌شود و چطور این جراحت کل جامعه را به درد می‌آورد، باز پول بیت‌المال را در مسیری هزینه می‌کنند که منجر به اعتراضات عمومی و بدنامی می‌شود و ما هر بار باید بپرسیم چرا؟ بندرعباس شاید آخرین غمنامه نباشد ولی زهری دیگری بود که در رگ‌های جامعه تزریق شد.